

Learning science According to the Narration of Writing and Calligraphy Hadiths

Kamyar Sedaghat Samarhosseini*

Abstract

The present article, with a structural approach, and by classification of hadiths assigned to Holiness Prophet Muhammad (S) and the Innocent Imams (A) on Writing and Calligraphy, considering historical periods of issuance of each hadith, is allocated to this question that what periods and processes of the history of science in Islamic civilization, in particular, in its first centuries, are explainable by analyzing Writing and Calligraphy hadiths. Based on such analysis, one can understand better the cultural and artistic developments of golden ages of Islamic World, i.e., Third to Fifth Hijri centuries. The prophet's hadiths confirm the Revelation writing, public education, moral and spiritual training of the writers, and emphasizing on basic education of handwriting encouraging beautiful writing and calligraphy. However, symbols of flourishing of Islamic civilization, such as unexampled evolution of Islamic scripts, researchers, development of sciences, creation of calligraphy jobs, and excellent writing of Quran, were gradually embodied in Ahl-e Beit's (the Innocents') Hadiths, which proves the development of Culture and Sciences in Islamic Civilization.

Keywords: Holy Quran, Hadith, Learning science, Calligraphy, Writing

* Faculty member of institute of humanities and cultural studies kamyarsedaghat@gmail.com

Date received: 10/10/2024, Date of acceptance: 20/01/2025



علم اندوزی در آینه احادیث کتابت و خوشنویسی

(در امتداد سه قرن اول هجری قمری)

کامیار صداقت ثمرحسینی*

چکیده

مقاله حاضر با رویکردی ساختاری؛ و با طبقه‌بندی احادیث صادره از حضرت رسول الله (ص) و ائمه اطهار (ع) پیرامون کتابت و فنون خوشنویسی؛ و با در نظر گرفتن دوره‌های تاریخی صدور هر یک از آن احادیث، به موضوع علم اندوزی خصوصاً در سده‌های نخستین آن می‌پردازد. از این طریق می‌توان با تحولات علمی، فرهنگی و هنری قرون طلایی جهان اسلام، یعنی سده‌های سوم تا پنجم هجری قمری را بهتر آشنا شد.

مقاله حاضر نشان می‌دهد که احادیث نبوی در باب کتابت بر موضوعاتی نظیر کتابت کلام وحی؛ سوادآموزی همگانی؛ تعالیم اخلاقی و معنوی کاتبان و نویسندگان؛ و آموزش‌های پایه‌ای نگارش خط با تشویق به زیبا نویسی تأکید دارند؛ اما به تدریج، در احادیث نشانه‌هایی از شکوفایی تمدن اسلامی؛ مانند تطور بی‌سابقه خطوط اسلامی؛ ظهور وراقان؛ رشد علوم و دانش‌ها؛ ایجاد مشاغل خوشنویسان و کتابت فاخر قرآن، در احادیث اهل بیت (ع) نمایان می‌شود که بیانگر رشد علمی جامعه است.

کلیدواژه‌ها: قرآن مجید، احادیث، تمدن اسلامی، علم‌اندوزی، خوشنویسی، کتابت.

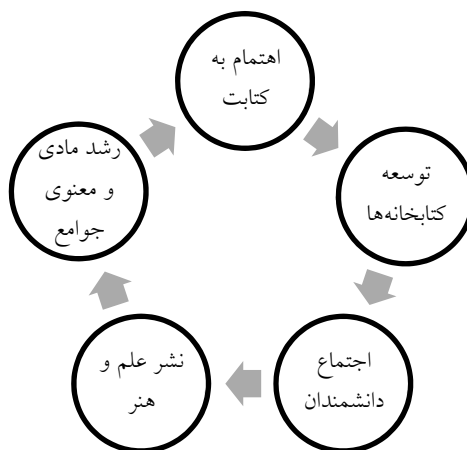
* دانشیار پژوهشکده مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوق و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، kamyarsedaghat@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱



۱. مقدمه

کتابت ضرورت زندگی اجتماعی است و بدون آن، تمامی عهود، پیمان‌ها و معاملات تجاری بی‌معنا و بی‌خاصیت‌اند. (جاحظ، ۱۹۶۵: ج ۱/ ص ۶۹) رشد خط و کتابت با رشد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جوامع پیوندی استوار دارد و از دیرباز رابطه‌ای میان رونق کتابت با رشد کتابخانه‌ها موجود بوده است؛ (← تصویر شماره ۱) چنانکه ابن خلدون (م ۸۰۸ ق) در مقدمه تاریخ خود نشان می‌دهد کمال خوشنویسی در کمال شهرنشینی است (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ج ۲/ ۸۲۸) از دید او، یکی از ویژگی‌های دوران انحطاط جوامع، رواج کتاب‌هایی با خط بد و مملو از اشتباهات املائی است. (همان منبع، ج ۲/ ۸۴۳)



تصویر ۱. زنجیره روابط متقابل کتابت تا توسعه تمدنی

تمدن اسلامی برخلاف نظر شرق‌شناسانی که آن را حاصل «چکاچاک شمشیرها و آوای سم ستوران در بیابانها» می‌دانند (پرایس: ۲۵۳۵: ۵) حاصل فرمان خواندن بنام خالق هستی است. (قرآن مجید، العلق: ۱) حضرت رسول‌الله(ص) در زمانی که اکثریت قریب به اتفاق اعراب دوره جاهلیت، امی و بیسواد بودند، به آموزش و ترویج کتابت اهتمام ورزید تا جاییکه احادیث نبوی در این خصوص، از زمره معجزات آن حضرت (ص) شمرده می‌شوند. (الکردی، ۱۳۵۸: ۱۳-۱۴؛ المنیس، ۱۴۳۷: ۶۵) چراکه بی‌آنکه بخواند و بنگارد (قرآن مجید، عنکبوت: ۴۸) امتش را خوانا و دانا کرد. بدینسان اسلام بر وجوب آموزش علوم و فنون مختلف تأکید دارد و فقیهانی چون شهید ثانی (م حدود ۹۶۵ ق) کتابت دانشی را که آموختن آن واجب عینی است، به‌همان

علم اندوزی در آینه احادیث کتابت ... (کامیار صداقت ثمرحسینی) ۱۰۱

سان واجب دانسته و همین حکم را در وجوب کفایی یا استحباب فراگیری علم، بر کتابت آن نیز تعمیم داده‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۳۹)

با عنایت به آنچه بیان شد، مقاله حاضر با رویکردی ساختاری، از طریق نوع شناسی احادیث پیرامون کتابت و خوشنویسی، و توجه به ادوار صدور احادیث مربوطه؛ درصدد تبیین رشد علم‌اندوزی از طریق احادیث کتابت است که به تحولات قرون طلایی علوم و فنون در جهان اسلام، یعنی سده‌های سوم تا پنجم هجری و ظهور دانشمندان بزرگی چون شیخ طوسی (م ۳۸۵ق)، ابوعلی سینا (م ۴۲۸ق)؛ و ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰ق) منجر شد.

۲. مروری بر منابع و تحقیقات پیشین

غالب تألیفات تخصصی خوشنویسان، مزین به آیات قرآن کریم و احادیث شریف هستند. برخی از منابع مانند «تحفة المحبین» از یعقوب سراج شیرازی؛ «تحفة الخطاطین» از سلیمان سعدالدین افندی مستقیم‌زاده (م ۱۲۰۱ق) که اربعینی درباره کتابت و خوشنویسی دارد. (مستقیم زاده، ۱۹۲۸: ۷-۲۰)؛ و یا کتاب «حکمة الاشراف الی کتاب الآفاق» از محمد مرتضی زبیدی (م ۱۲۰۵ق) بیش‌تر به نقل آیات و احادیث کتابت پرداخته‌اند. در برخی دیگر از منابع، تفسیر و تحلیل منابع روایی دیده می‌شود که از آن میان می‌توان به «عقود الجمان فی جواز تعلیم الکتابة للنساء» از محمد شمس‌الحق عظیم‌آبادی (م ۱۳۲۹ق)، و «الاصابة فی استحباب تعلیم النساء الکتابة» از محمد آل بوعلیان (م ۱۳۹۴ق) اشاره کرد. کتاب اخیر ردیه‌ای بر «الاصابة فی منع النساء الکتابة» از نعمان بن محمود آلوسی (م ۱۳۱۷ق) است. محمدطاهر الکردی در کتاب معروف خود با عنوان «الخط العربی و آدابه» فصلی را به جایگاه خط و کتابت از منظر دین اختصاص داده است. (الکردی، ۱۳۵۸: ۸) از قدماء، خطیب بغدادی (متوفی ۴۶۳ق) در «تقیید العلم» احادیث مرتبط با کتابت و علم را جمع‌آوری کرده است.

از دیگر تحقیقات می‌توان به «تاریخ ادبیات ایران» از جلال‌الدین همایی؛ خصوصاً مباحث تاریخ خط (همایی، ۱۳۰۹: ج ۲ / ۳۶۱ - ۳۸۲) و کتابت قرآن (همان منبع، ج ۲ / ۴۸)؛ «التمهید فی علوم القرآن» از محمدهادی معرفت، خصوصاً مباحث کاتبان وحی و پیدایش خط عربی (معرفت، ۱۴۳۲: ۱۳۱ و ۳۵۴)؛ «تعلیم خط» از حبیب‌الله فضائلی؛ «کلک قدسی: سیری در کتابت کلام‌الله مجید از آغاز تا امروز» از کمال حاج سید جوادی و «مجموعه مقالات سیر خط و کتابت»؛ خصوصاً مقالات «فصل خط و کتابت و دین» از مهدی محقق، توفیق سبحانی و

دیگران (مجموعه نویسندگان، ۱۳۸۴: ۱۰۹-۱۷۹) اشاره کرد. باین همه، آیات و احادیث کتابت، از حیث تحلیل علم‌اندوزی به طور مستقل نپرداخته‌اند.

۳. گونه شناسی احادیث کتابت

صرف‌نظر از برخی احادیث ضعیف درباره کتابت، مانند این حدیث که عدم ایمان به حروف القباء بیست‌ونه گانه موجب «خلود انسان در جهنم» می‌شود، (سراج شیرازی، ۱۳۷۶: ۶۴؛ خطیبی، ۱۳۹۳: ۲۴) از حیث مضامین و موضوعات، آیات و احادیث درباره کتابت، به شش دسته تقسیم می‌شوند: (← تصویر شماره ۲)

تصویر شماره ۲ - انواع آیات و احادیث در موضوع کتابت و خوشنویسی

انواع	نمونه‌هایی از مضامین آیات و احادیث
۱	■ نامه حضرت سلیمان به ملکه سبا (قرآن مجید، نمل: ۲۹-۳۱) ■ اهل کتاب در قرآن (← بقره: ۱۰۵؛ آل عمران، ۶۴-۶۵؛ نساء: ۱۲۳؛ مائده: ۱۵) ■ کتابت پیامبران مانند حضرت ادريس نبی(ع) (طبری، ۱۳۸۷: ج ۱/ ۱۷۱؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵: ۵۹/۱-۶۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۵۵/۱ و ۵۷) و حضرت اسماعیل نبی(ع) (الباشا، ۱۴۲۰: ج ۳/ ۱۴۹؛ منشی قمی، ۱۳۶۶: ۱۲؛ مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ج ۳/ ۳۹۴)
۲	■ فطری بودن تعلیم (قرآن مجید، علق: ۴-۵) ■ آموزش به کودکان (الکردی، ۱۳۵۸: ۹) ■ اصول خوشنویسی بسمله (طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۴۳) ■ استفاده از لایقه (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۵۰). ■ شیوه گرفتن قلم (همان، ۱۳۵۰: الکردی، ۱۳۵۸: ۱۲)
۳	■ قلم به عنوان اولین مخلوق (طبری، ۱۳۷۸: ۱/ ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۴/ ۳۱۳) یعنی اولین در شرف و نه در زمان. (الهی قمشه‌ای، ۱۳۶۳: ۲/ ۳۰۳) ■ مطابقت خلقت دست انسان با کتابت (مفضل بن عمر، بی تا: ۷۹-۸۰)
۴	■ سوگند الهی به قلم (قرآن مجید، القلم ۱) که نشانه شرافت و عظمت آن است. (آملی، ۱۳۸۱: ۱/ ۲۲؛ غزالی، ۱۳۶۱: ۱۸۷؛ ثعالبی، ۱۳۸۵: ۳۹) ■ کتابت خدا که در تشریع به معنای وجوب شرعی است و در تکوین به معنای قضا است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱/ ۴۳۹ و ج ۲/ ۱۶۴ و ج ۵/ ۱۰۰)
۵	■ حفظ میراث دینی و علمی (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۴/ ۱۳۹؛ شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۲۶۷) ■ غلبه بر فراموشی (احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ج ۱/ ۳۶۳) ■ افزایش رزق (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۳/ ۳۱۸؛ مایل هروی، زمستان ۱۳۷۲: ۱۳۱)
۶	■ کتابت دادگرا نه (قرآن مجید، بقره: ۲۸۲) ■ صالح بودن کاتب (شریف‌رضی، ۱۳۶۸: ۳۳۴) ■ دوری از کتابت گناه‌آلود (ابن باویه، ۱۴۱۳: ج ۳/ ۲۷۴)

۴. علم اندوزی در آئینه آیات و احادیث کتابت

طلوع اسلام در جامعه‌ای رخ داد که خصلت‌های توحش و دذمنشی مردمان آن در حدیث مشهور امام علی (ع) توصیف شده است (کمره‌ای، ۱۳۹۵: ۶۰ و ۶۲) و تربیت برآمده از اسلام زمانی را آورد که فصل‌های دبیری دیوان در انبوه کتاب‌هایی نظیر «نصحیة الملوك»، «قابوس‌نامه» و امثال آن، آکنده از مباحث خط، انواع قلم، خوشنویسی و آداب‌دانی آن شد. (غزالی، ۱۳۶۱: ص ۱۸۷-۱۹۶؛ عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۰۶-۲۲۲) آیات قرآن و احادیث متکفل تشویق مسلمانان به یادگیری سواد خواندن و نوشتن، کتابت قرآن و علم آموزی و استفاده صحیح از آن شدند. نمونه‌هایی از مضامین هر یک به شرح زیر است:

الف - تشویق مسلمانان به یادگیری

اقتضای عصر جاهلیت بیسوادی عمومی است؛ لذا آموزش خواندن و نوشتن سرآغاز خروج از آن است که با وحی و دستور به خواندن شروع شد. (قرآن مجید، العلق: ۱) نمونه‌هایی از آن را می‌توان در تأکید اسلام بر جدا کردن شأن عالم از جاهل (قرآن مجید، زمر: ۹)؛ قرار دادن ارزش قلم عالمان در جایگاهی برتر از خون شهیدان (ابن عبد ربّه، ۱۴۰۷: ج ۲/ ۷۹؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ج ۱/ ۳۵۹-۳۶۵؛ دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۱/ ۱۷۶) و آزادی اسیران به شرط آموزش کتابت به ده نفر مسلمان مشاهده کرد. (منیس، ۱۴۳۷: ۶۵)

ب - فرهنگ‌سازی کتابت:

دسته‌ای دیگر از احادیث بر تعلیم فرهنگ حاکم بر کتابت دلالت دارند. از زمره آن‌ها می‌توان به آموزش همگانی کتابت (میان زنان و مردان) اشاره کرد؛ ابن حَجَر عَسْكَلانی (م ۸۵۲ق) در کتاب «الاصابة فی تمییز الصحابة» به اسامی ۱۵۲۲ تن از بانوان صحابی عالم و نیز یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر (متوفی ۴۶۳ق) در کتاب «الإستیعاب فی معرفة الأصحاب» به اسامی دیگری از دانشمندان بانوان برجسته اشاره دارد. (کمره‌ای، ۱۳۲۵: ۲۲) یکی از روایت‌های نبوی نشان می‌دهد حفصه همسر حضرت رسول الله (ص) در نزد شفا دُخت عبدالله، کتابت آموخته است و حضرت رسول الله (ص) آن را تأیید (تحسین) کرده است. (العظیم آبادی، ۱۴۰۸: ۲۱۹) همچنین احادیث نشان می‌دهند که چنین آموزش‌هایی به مثابه حقوق فرزندان بر والدین (الکردی، ۱۳۵۸: ۹) شمرده شده‌اند؛ نظیر حدیث امام حسن مجتبی (ع) که آموزش کتابت؛ و بلکه ایجاد کتابخانه را برای همه کودکان (بدون ذکر قیدی در تمییز فرزندان پسر از

دختر) لازم شمرده است. (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۴۰) بدیهی است جنبش آموزش همگانی بخش مهمی از رشد فرهنگی جهان اسلام است که بر حق آموزش زن و مرد تأکید می‌کند.

مضمون برخی احادیث، دستور به ایجاد و تأسیس کتابخانه نیز استنباط می‌شود؛ نظیر حدیث نبوی (ص) «قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ ... علم را با کتاب نگاه‌دارید» و داشتن بایگانی مکتوب نظیر: «إِسْتَعْنِ بِمِمْك ... در زمان نگرانی از فراموشی، از دستت یاری بگیر (یعنی بنویس)» روایت مذکور با الفاظ مختلف و مضامین مشابه موجود است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۹/۷۴؛ شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۲۶۷؛ ۱۴۱۹: ج ۱/ ۳۵۹-۳۶۵؛ الکردی، ۱۳۵۸: ۹؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ج ۱/ ۳۶۳؛ الخطیب البغدادی، ۱۴۲۶: ۶۴-۶۷ و ۶۸-۷۴) مناوی در شرح حدیث مذکور، معتقد است که مراد نوشتن چیزی است که ترس از فراموشی آن موجود است و استعمال واژه یمین از آن‌روست که کتابت غالباً با دست راست است. (الکردی، ۱۳۵۸: ۹)

برخی دیگر از آیات و احادیث شریفه، به مقصد و غایت کتابت توجه دارند که به نوعی ارتباط وثیق میان علم، دین، علم و اخلاق را بازگو می‌کنند. از زمره آن‌ها می‌توان به دستور ثبت دادگرانه معاملات (قرآن مجید، بقره: ۲۸۲) یا نیالودن کتابت به گناه و منع کاتب از نگارش معاملات ربوی (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳/ ۲۷۴) و یا کتابت فرمان‌های ستمگران (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۶۰) اشاره کرد.

پاره‌ای از احادیث کتابت در حوزه فرهنگ‌سازی عمومی و ناظر به صرفه‌جویی و استفاده بهینه از منابع محدود کاغذ و ابزار کتابت هستند؛ مانند حدیث امام صادق (ع) از امام علی (ع) که آن حضرت به کارگزارانش نوشت: «... جمله‌های اضافی و نامربوط را حذف کنید، اصل موضوع را در نظر آورید و از پُر نویسی (غیرضروری) پرهیزید که مبادا به واسطه نامه شما، دارائی مسلمانان دچار ضرر و زیان شود. (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۳۱۰؛ شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۷/ ۴۰۴) اینگونه احادیث مطابق با آموزه‌های قرآنی درباره قناعت و دوری از اسراف هستند (قرآن مجید، شعراء: ۱۵۱؛ غافر: ۲۸؛ اعراف: ۳۱) و جنبه‌های زیباشناسانه کتابت، در آن‌ها به وضوح دیده می‌شود؛ برای مثال؛ امام علی (ع) فرمود: «... و فرّق سطورک... سطرهای نوشته‌تان را جدا کنید» (آمدی، ۱۴۱۰: ۱۴۸) «وَقَارِئُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ ... و آن‌ها را به هم نزدیک کنید» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۳۱۰؛ شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۷/ ۴۰۴) یعنی کاتب باید جانب اعتدال در فاصله‌گذاری سطور رعایت کند؛ این امر درباره کم کردن فاصله بین حروف نیز صادق است. (آمدی، ۱۴۱۰: ۱۴۸؛ شریف رضی، ۱۳۶۸: ۴۱۸)

علم اندوزی در آینه احادیث کتابت ... (کامیار صداقت ثمرحسینی) ۱۰۵

بخشی دیگر از احادیث کتابت در دوره نخستین، به آموزش‌های پایه جهت نگارش حروف و کلمات می‌پردازند و ارتباطی وثیق با اصول زیبایی‌شناسی در هنر خوشنویسی دارند. از نظایر آن‌ها می‌توان به احادیث نگارش حروف «باء» و «سین» اشاره کرد: «لَا تَمُدَّ الْبَاءَ إِلَى الْمِيمِ حَتَّى تَرْفَعَ السَّيْنُ» یعنی باء (بسم الله) را مکشید تا سین را بلند نکرده‌اید. (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۹ / ۳۵) از حکایت خشم خلیفه عمر بن خطاب بر عامل خود، که در نامه‌اش «سین» بسم الله را نیافته بود، (غزالی، ۱۳۶۱: ۱۹۰) برمی‌آید که نگارش سین در دوره اول اسلامی در نزد برخی از کاتبان بی‌اشکال نبوده است. ابو حامد محمد غزالی (م ۵۰۵ق) با نقل این حکایت، به اهمیت دانش دبیر جهت نگارش واضح حروف و کلمات اشاره کرده است. (همان منبع، همان‌جا)

در نگارش حرف میم نیز تأکید شده است که به صورت «تو پر نوشته نشود»: «وَلَا تُعَوِّرِ الْمِيمَ...» (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۵۰) این امر شاید به دلیل ممانعت از بروز اشتباه در خطوط اولیه صدر اسلام باشد که با تطور بعدی خطوط برطرف شد.

همچنین است کشیدگی «حاء» یا «میم» در حدیث «إِذَا كَتَبْتَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَلْيُمَدِّ الرَّحْمَنَ» مطرح شده است (الکردی، ۱۳۵۸: ۹) هرچند معلوم نیست مراد از آن کشیدگی کدام یک از آن دو حرف است. (همان: ۱۰-۱۱) چه‌بسا حدیث درباره مکتوبی خاص باشد که به همراه حدیث، به دست ما نرسیده است. باین وجود، احادیث مذکور، به وضوح آموزش سوادآموزی و توجه به اصلاح شیوه‌های کتابت و زیبانویسی در آن دوره را نشان می‌دهند.

بخش دیگری از آموزش‌های پایه خوشنویسی و کتابت، درباره ابزار کتابت و آداب آن بوده است که برخی از آن‌ها بسان سنتی پابرجا از صدر اسلام تا دوره معاصر رایج بوده‌اند؛ برخی از آموزه‌های احادیث مذکور عبارت‌اند از:

۱. استعمال ليقه و دوات، در حدیث نبوی «أَلْقِ الدَّوَاةَ ... ليقه در دوات انداز ...» (شهید ثانی،

۱۴۰۹: ۳۵۰) و در نهج البلاغه به لسان امام علی (ع) (شریف رضی، ۱۳۶۸: ۴۱۸)

۲. آموزش‌هایی درباره کج و مایل گرفتن قلم (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۱ / ۳۱۰؛ شیخ حر عاملی،

۱۴۰۹: ج ۱۷ / ۴۰۴؛ شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۵۰؛ الکردی، ۱۳۵۸: ۱۲)

۳. باریک تراشیدن نوک قلم برای کتابت نامه‌ها (آمدی، ۱۴۱۰: ۱۴۸؛ فضائلی، ۱۳۷۶: ۷۲)

تراشیدن قلم به شیوه یاقوت مستعصمی (پایان عصر عباسیان) که تاکنون معتبر است، برگرفته از همین آموزه‌هاست. (هراتی، ۱۳۹۲: ۴۹)

۴. استفاده از دستمال مخصوصی برای پاک کردن سر قلم، از مرکب باقی مانده که در توصیف احمد بن اسحاق از کتابت امام حسن عسکری(ع) دیده می شود: «... و هُوَ يَمْسَحُ الْقَلَمَ بِمَنْدِيلِ الدَّوَاةِ سَاعَةً...» آن حضرت(ع) مدتی سر قلم را با دستمال مخصوص خشک کردند. [آنگاه قلم را به احمد بن اسحاق مرحمت فرمودند.] (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲/ ۶۴۴) توجه به پاکی ابزار کتابت و حرمت آن در سراسر دوره های اسلامی مورد توجه بوده و نمونه ای از آن در گزارش های شاردن از خوشنویسان دوره صفویه منعکس شده است. (شاردن، ۱۳۷۲: ۳/ ۹۶۰)

۵. استفاده از خاک مخصوص جوهر: محمد بن احمد وراق بغدادی به سند خود از دارم بن قَبِيصَه وَ نُعَيْمُ بن صَالِح طبری نقل می کند که امام رضا(ع) فرمود: «... تَرْبُوا الْكِتَابَ فَإِنَّهُ أَنْجَحُ لِلْحَاجَةِ...» یعنی «... نامه را خاک آلودش کنید که حاجت بهتر روا می شود...» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۲/ ۳۹۴) و مراد از خاک در حدیث مذکور، خاک مخصوص جوهر است که جهت سفت کردن و ماندگاری بیشتر بر روی آن می پاشیدند تا قوام و دوام جوهر بیشتر شود. (المنیس، ۱۴۳۷: ۶۴) این مضمون در احادیث نبوی(ص) موجود است؛ چنانکه صحابی جلیل القدر جابر انصاری روایت کرده است: «... فَلْيَتَرَّبُهُ فَإِنَّهُ أَنْجَحُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹/ ۱۰۴؛ شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۵۱؛ غزالی، ۱۳۶۱: ۱۹۰) و با این عبارت نیز آمده است: «تَرْبُوا صُحُفَكُمْ فَإِنَّهُ أَنْجَحُ لَهَا» (المنیس، ۱۴۳۷: ۶۴)

۵. احادیث کتابت در عصر خلافت نخستین و امویان

کتابت در اعصار خلافت نخستین و حکومت امویان اندک اندک شتاب بیشتری به خود گرفت؛ که بازتاب آن در احادیث اهل بیت(ع) دیده می شود؛ یکی از دلایل آن گستردگی روزافزون جوامع اسلامی، خصوصاً بر اثر فتوحات اسلامی و توسعه دیوانسالاری در ساختار خلافت بود که در جذب کاتبان اهمیت داشت. در همین دوره، تفاوت لهجه ها و گویش ها و اختلاف قرائت حاصله از آن خصوصاً از جانب مسلمانان غیر عرب (فتونی، ۲۰۰۲: ۱۶) موجب تحولات عمیقی هم در تطور خط و هم در ساماندهی علائم نوشتاری خط کوفی - مادر خطوط اسلامی - شد. بر اثر همین اختلاف قرائت ها بود که در عصر زمامداری عثمان بن عفان، بار دیگر تدوین و جمع قرآن کریم مورد توجه قرار گرفت. جمع قرآن اول بار به دستور حضرت رسول الله(ص) انجام شد و در صدر کاتبان وحی امام علی(ع)، زید بن ثابت و ابی بن کعب

علم اندوزی در آینه احادیث کتابت ... (کامیار صداقت ثمرحسینی) ۱۰۷

بودند و کاتبان دیگر در درجه بعد قرار داشتند. (معرفت، ۱۴۳۲: ۱ / ۱۳۴) نمونه‌هایی از احادیث این دوران:

۱. فرمان امام علی(ع) به مالک اشتر که در آن اشاراتی به کاتبان حکومت به‌عنوان صنف مهمی از اصناف رعیت شده و بر ضرورت توجه به امانتداری، رازداری و وثاقت ایشان تأکید شده است. (شریف رضی، ۱۳۶۸: ۳۲۸ و ۳۳۴)

۲. حدیث امام صادق(ع) مبنی بر ضرورت استفاده از علائم اعراب و نقطه‌گذاری که از آن‌ها به نشانه‌های فصاحت کلام تعبیر شده است: «أَعْرِبُوا أَحَادِيثَنَا فَإِنَّا قَوْمٌ فَصَحَاءُ» (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۵۳)

۳. حدیث امام صادق(ع) معروف به توحید مُفَضَّل که در آن به رسالت کتابت در علم‌اندوزی توجه ویژه‌ای شده است؛ در فرازی از آن حدیث چنین آمده است:

با کتابت، اخبار گذشتگان به دست حاضران و اخبار حاضران به دست آیندگان می‌رسد. به وسیله کتابت انواع دانش‌ها و آداب باقی می‌مانند و امور جاری میان انسان‌ها نظیر حساب و کتاب و معاملات ایشان ثبت می‌شود.

بدون کتابت، تاریخ از میان می‌رفت و خبری از نسل‌های پیشین نمی‌بود. دانش‌ها محو می‌شدند و آداب و رسوم از میان می‌رفتند، و زندگی مردم نظیر معاملات دچار مشکل می‌شد و مردم برای شناخت دین و رفع مجهولات خود قادر به رجوع به احکام و روایات مکتوب نبودند. (مفضل بن عمر، بی‌تا: ۸۰)

۶. احادیث کتابت در عصر عباسیان

از سده دوم هجری، صنایع هنری به کتابت راه یافت که مصادف با اواخر دوره امویان و دوره آغازین عباسیان است. (الکردی، ۱۳۵۸: ۶۸) بنا بر ادعای برخی، اولین قرآن مُذَهَّب، از حضرت امام علی(ع) است که ادعایی بدون سند و مغایر با داده‌های تاریخی است. (حسن، ۱۳۶۳: ۷۳) در اواخر دوره امویان، یکصد و پنج نوع خط کوفی وجود داشت (هراتی، ۱۳۶۶: ۱۱) و افرادی چون، خالد بن الهیاج به کتابت مصاحف بزرگ با خطی خوش مشهور بودند. (الکردی، ۱۳۵۸: ۶۸) گفته شده است که او به آب طلا نیز کتابت می‌کرد. (فتونی، ۲۰۰۲: ۱۸) از دیگر کاتبان معروف دوره اموی می‌توان به مالک بن دینار و قطبه المَحَرَّر اشاره کرد. (البهنسی، ۱۹۹۵: ۴۵؛ الجبوری، ۱۹۹۴: ۹۹)

شهادتِ امام صادق(ع) در سال ۱۴۸ق رخ داد و در همین حدود، یعنی نیمه سده دوم هجری، منصور دوانیقی (م ۱۵۸ق)، خلیفه عباسی، شهر بغداد را تأسیس کرد و پایتخت دولتِ عباسی قرار داد. به تدریج جریان‌های بزرگ علمی در آن شهر ایجاد شدند که شاخص آن وجود مدارس بزرگ، کتابخانه‌ها و بازارهای وراقان شهر بود.

به تدریج با احساس نیاز مسلمانان به ضرورتِ کتابتِ حدیث، مجموعه‌ای از سفرهای علمی شکل گرفتند که در آشنایی ملل و اقوام مسلمان با یکدیگر اهمیت داشتند. نمونه‌ای از این اهتمام را می‌توان در کتاب «الرحلة الى طلب الحديث» از خطیب بغدادی (متوفی ۴۳۶ق) مشاهده کرد و این تبدلات فرهنگی را می‌توان بر پایه مشوق‌های دینی در پرتو احادیث همچون حدیث نبوی(ص) «اُطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» مشاهده کرد. (خطیب بغدادی، ۱۳۹۵: ۷۱؛ نیز ببینید: حسن پور، ۱۳۸۲، ۱۷۱-۱۹۶)

۷. نمونه‌هایی از احادیث کتابت در عصر عباسیان

یکی از احادیث مهم این دوره درباره پرسش از قرآنی طلاکاری شده است که در فهم تحولات جاری در کتابت و توسعه صنعتِ کتابت در آن روزگار اهمیت دارد. محمد الوراق، از اصحاب امام صادق(ع) کتابی را به نزد آن حضرت(ع) آورد و درباره آن سؤال کرد. در کتابِ مذکور آیات قرآن به صورت ده آیه ده آیه مُزَیَّن به علائم طلاکاری شده بودند:

«عَرَضْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ(ع) كِتَابًا فِيهِ قُرْآنٌ مُخْتَمٌّ مُعَشَّرٌ بِالذَّهَبِ وَكُتِبَ فِي آخِرِ السُّورَةِ بِالذَّهَبِ ...»

کتابی را بر امام صادق(ع) عرضه کردم که در آن آیاتی از قرآن نوشته شده بود که در انتها هر ده آیه ده آیه، با آب طلا علامت‌گذاری شده بود و در آخر آن سوره‌ای با آب طلا نگاشته شده بود. ... (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۴/ ۶۳۳)

عبارت «مُخْتَمٌّ ... بِالذَّهَبِ» در حدیث مذکور، به نشانه یا مهری طلاکاری شده اطلاق می‌شود که برای جدا کردن آیات از یکدیگر کاربرد داشته است. امام صادق(ع) از تزئیناتِ مذکور ایرادی نگرفتند؛ اما فرمودند مایل اند قرآن با رنگِ مُرَكَّبِ نخستین آن یعنی به رنگِ سیاه نگاشته شود. از حیث تاریخی، ابی الفرج محمد بن اسحاق ندیم (متوفی حدود ۳۸۰ق) در الفهرست اشاره به تحولی مهم کتابت قرآن در ابتدای دولت عباسی دارد که گذار از خط کوفی به خطوط محقق و مشق است. (ابن ندیم، ۱۴۳۰: ۱۶-۱۷) کتاب‌ها و مصحف‌ها تا عصر

علم اندوزی در آینه احادیث کتابت ... (کامیار صداقت ثمرحسینی) ۱۰۹

خلافت امام علی(ع) ساده بودند و کم‌کم سطح کتابت آن‌ها از حیث نفاست و لطافت هنری ارتقا می‌یافت. حدیث مورد بحث یکی از اولین نشانه‌های چنین تحولی است که برای مسلمانان جدید می‌نمود و از اینرو حکم شرعی آن را از امام(ع) جویا می‌شدند. ناگفته نماند که در عصر امام صادق(ع) رنگ‌های جدیدی خصوصاً شنگرف (پودی سرخابی) ابداع شدند و کم‌کم نام‌های سوره‌های قرآن با قلم شنگرف نگاشته می‌شدند. روش ساختن شنگرف اول بار توسط جابر بن حیان شاگرد امام جعفر صادق(ع) از تقطیر جیوه و گوگرد کشف شد و اثر عمیقی بر هنر ایرانی - اسلامی و حتی نقاشی‌های اروپایی گذاشت. (هراتی، ۱۳۹۲: ۱۷۷)

دیگر نشانه‌های علم‌اندوزی در احادیث آن دوره پسوندهایی مانند وراق کوفی، وراق بغدادی، وراق سمرقندی در میان راویان است که از دوران امام صادق(ع) به بعد مشاهده می‌شود. بسیاری از وراقان، خود کاتب و خوشنویس بوده‌اند؛ و بلکه کاتبان، وراقان بوده‌اند. ابن مؤقله (م ۳۲۸ق) که فضل او در پیدایش و توسعه خطوط سته خصوصاً خط نسخ بر کسی پوشیده نیست، در بیان انواع کاتبان، به «کاتب خط» اشاره دارد و او را «وراق» می‌نامد. (ناجی، ۱۹۹۱: ۱۲۸-۱۲۹) وراقان به صنعت کاغذسازی، صحافی و جلدسازی اشتغال داشتند، و کتابت قرآن نقش مهمی در پیدایش آنان داشت. برخی از محققان از زید بن ثابت به‌عنوان یکی از اولین وراقان جهان اسلام در مدینه منوره نام برده‌اند. از احادیث مذکور می‌توان به روایت عبّسه وراق از امام صادق(ع) در خصوص خرید و فروش مصاحف اشاره کرد. امام صادق(ع) معامله قرآن را از حیث ابزار مادی کتابت؛ مانند کاغذ، مرکب و جلد مجاز دانست ولی خرید و فروش خود قرآن مجید را منع کرد. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۹/ ۶۷۱) نیز شمار بسیاری از وراقان از محدثان و مشایخ حدیث بوده‌اند؛ برای مثال، راوی حدیث پیش‌گفته درباره قرآن مُهذَّب، محمد الوراق است که با توجه به آنکه مجالس باشکوه تدریس امام صادق(ع) در مدینه منوره برپا بود، آن حدیث نشان از صنعت وراقی در آن شهر دارد؛ همچنین، نام سعید بن محمد ابوالحسن وراق کوفی در اسناد حدیث احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱ق) است که به نقل از ابی مریم ثقفی، حدیثی را در باب فضایل امیرالمؤمنین علی(ع) از عمار بن یاسر نقل کرده است. (سعید، ۱۴۲۱: ۳۸۹) از کاتبان بسیار حدیث «سلسلة الذهب» از حضرت امام رضا(ع) می‌توان توفیق روایات نبوی(ص) آموزش کتابت و نشر علوم در میان مسلمانان را در آن دوره تاریخی در خراسان مشاهده کرد. (ابن باویه، ۱۳۷۸: ج ۲/ ۳۷) در جنب ظهور وراقان محدث، نساخان، شاعران، ادیبان، دانشمندان، قاضیان و وزیران وراق نیز حضور داشتند. (همان، ۳۵۲-۶۰۰؛ النمله: ۱۴۱۵: ۵۱-۱۷۷) از میان آن‌ها می‌توان از ابوحنّان توحیدی (م ۴۰۰ یا ۴۱۴ق)، محمد بن جریر طبری

(م ۳۱۰ق)، یاقوت حموی (م ۶۲۶ق) و محمد بن اسحاق ندیم (م حدود ۳۸۰ق) نام برد. ابن ندیم فصل اول از فصول ده‌گانه «الفهرست» را به موضوع خط و کتابت اختصاص داده (ابن ندیم، ۱۴۳۰: ۹-۴۹) و در آن به شمار بسیاری از ورّاقان دانشمند بغداد و تألیفاتشان اشاره کرده است. کتاب‌های بسیاری نیز درباره خط و کتابت در این دوره نگاشته شد که نشان‌دهنده گسترش مبحث خط و خطاطی در جامعه آن روز است؛ برای مثال، ابن دُرّیّه، ابن قتیبه و ابهری اصبهانی هر یک دارای کتابی با عنوان «ادب الکاتب» و ابو بکر انباری، صولی و ابن دُؤستویه هر یک دارای کتابی مستقل با عنوان «ادب الکتّاب» و مُفضّل بن سلمه و محمد بن لیث خطیب هر یک دارای کتابی با نام «الخط و القلم» هستند. (ابن ندیم، ۱۴۳۰: ۱۷۱؛ ۱۸۰؛ ۱۸۶؛ ۲۲۴؛ ۲۳۷؛ ۳۱۲؛ ۳۷۵؛ ۴۲۷ و ۴۶۵)

۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آیات قرآن و احادیث شریف پیرامون کتابت و خوشنویسی، بیانگر برخی از تحولات و نقاط عطف در علم‌اندوزی در جهان اسلام هستند. از خلال آیات و احادیث، به‌وضوح می‌توان پیوند میان کتابت با اخلاق و تقوی را در متون دینی مشاهده کرد که امتداد آن پیوند میان علم و دین است؛ زیرا اگر کاتب حکم قاضی باید که مقید به اخلاق و امانت‌دار باشد، به طریق اولی این خود قاضی است که باید در قبال حق چنین احساس مسئولیت کند.

دوران حضرت رسول‌الله(ص) دوران آموزش کتابت (خواندن و نوشتن) است و طبیعی است که روح حاکم بر این دوران، بیش از آنکه بر ظرایف خوشنویسی متمرکز باشد، به آموزش پایه‌ای الفبا توجه دارد؛ با این حال، زیبانویسی یکی از تأکیدات احادیث این دوره است که اوج آن در احادیث الگوی «بسم الله الرحمن الرحيم» دیده می‌شود و کتابت وحی از اولین کاربردهای تخصصی کتابت در اسلام است.

امتداد حدیث شرعی از دید اهل سنت، منحصر به احادیث نبوی(ص) تا زمان رحلت حضرت رسول‌الله(ص) به سال یازده هجری است؛ اما از دید شیعه امامیه، حدیث شرعی از طریق ائمه اطهار(ع) تا دوره غیبت امام زمان(عج) به سال ۳۲۹ق امتداد دارد که شامل دوران خلافت نخستین، بنی امیه و بخشی از عباسیان می‌شود که در تصویر شماره ۳ به ویژگی‌های آن‌ها اشاره شده است.

علم اندوزی در آینه احادیث کتابت ... (کامیار صداقت ثمرحسینی) ۱۱۱

عصر حضرت رسول الله (ص)	عصر خلافت نخستین	عصر بنی امیه	عصر عباسیان
• کتابت وحی (جمع قرآن) • آموزش سوادآموزی همگانی • تعلیم اخلاقی کاتبان • تعلیم خط پایه معطوف به زیبا نویسی • تطور خط عربی از خط مکی به خط مدنی	• کتابت قرآن در دوره خلافت ابوبکر و عثمان بن عفان • پیشرفت در خطوط (علائم اعراب و نقطه گذاری) • رشد مشاغل دبیری کاتبان • ظهور وراقان (مدینه، کوفه) • تطور خط عربی از خط مدنی به خط کوفی	• توسعه و تنوع یافتن خطوط کوفی بالغ بر یکصد و پنج خط • ظهور اولین نشانه‌ها از آثار فاخر هنری	• تخصصی شدن دبیری دیوان • ظهور وراقان بغداد • رواج زیبانویسی و تذهیب • ایجاد قلم‌ها و مرکب‌های جدید • کتابت فاخر قرآن و رشد صنعت تذهیب • تطور خط عربی از خط کوفی به انواع خطوط خصوصاً خط نسخ در بغداد

تصویر شماره ۳ - تحولات کتابت و خوشنویسی در آینه احادیث

احادیث کتابت، به منظور تربیت جامعه‌ای بدوی و عموماً بی سواد صادر شدند و توجه شارع به آموزش فراگیر و همگانی زنان و مردان بود. اسامی بانوان محدث و صحابی فاضل، گواهی بر این موضوع است.

پس از رحلت حضرت رسول الله (ص) و گسترش فتوحات اسلامی، کتابت و خصوصاً خوش‌نویسی بیش‌ازپیش مورد توجه واقع شد و کتابت به سمت واضح نویسی حرکت کرد و با توسعه خطوط و ایجاد علائم اعراب و نقطه‌گذاری همراه شد.

در آن دوران کتابت قرآن همچنان به مثابه یک اولویت بود و رشد مشاغل دبیران در دستگاه خلافت نشان از نیاز طبیعی حکومت و جامعه به کتابت نامه‌ها، فرمان‌ها، اسناد و مدارک مختلف داشت که بیانگر تطور دستگاه خلافت و دولت‌های محلی وابسته به آن است. در احادیث؛ نظیر فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر، بر تعهد و مسئولیت‌پذیری کاتب در کنار تخصص کتابت او تأکید شده است.

از خلال احادیث صادره در دوره عباسیان، می‌توان آشکارا توسعه تدریجی کتابت و ظهور خوشنویسی را مشاهده کرد؛ چنانکه در حدیث امام صادق (ع)، عبارت «قرآن مُختم» نشان از آغاز صنایع ظریف هنری در حوزه کتابت دارد و طبعاً شامل زیبانویسی نیز می‌شود.

رشد نام وراقان که برخی از آنان از راویان احادیث مذکور بودند، نشان می‌دهد که چگونه چراغی که به دست مبارک حضرت رسول‌الله (ص) در سوادآموزی امتی بدوی روشن شد، کم‌کم به چلچراغی فروزان مبدل گشت که موجب توسعه صنایع کاغذسازی، صحافی، جوهرسازی، و کتابت در شهرهای اسلامی چون بغداد شد و نهایتاً کتابخانه‌های عظیمی از دل آن برخاستند که نیروی محرکه‌ای در رشد علم‌اندوزی شدند. کافی است توجه شود که بسیاری از وراقان بغداد از دانشمندان زمان خود بودند و اسامی برخی از آنان در کتاب‌های مختلفی از جمله الفهرست ابن‌الندیم موجود است.

پی‌نوشت

۱. در احادیث دیگر گاه عبارت «وَأَنْصِبِ الْبَاءَ وَفَرِّقِ السَّيْنَ ... بَاءَ رَا بَكْشِيدَ وَ سَيْنَ رَا مَتَمَازِ كُنِيدَ» و گاه عبارت «فَيَبْنِ السَّيْنَ ... سَيْنَ رَا نَمَازِ كُنِيدَ» آمده است (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۵۰) در مورد اخیر، شاید مراد حدیث، ظاهر کردن سه دندان سینه باشد. (الکردی، ۱۳۵۸: ۱۱) در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که سینه (بسم الله الرحمن الرحيم) را با رعایت تناسب آن با باء، باید بلند و پر جلوه کرد و «در همه خطوط اسلامی، کشش باء قبل از دندان سینه نازیبا است.» (فضائل، ۱۳۷۶: ۷۲)

کتاب‌نامه

قرآن مجید

- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق) غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام)، قم (ط ۲) دار الکتاب الإسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق) من لا یحضره الفقیه (تحقیق) علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق) ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی للنشر
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ش) عیون أخبار الرضا علیه السلام (تحقیق) مهدی لاجوردی، تهران (چاپ اول) نشر جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش) الخصال (تحقیق) علی اکبر غفاری، قم (ط ۱) جامعه مدرسین.
- ابن اثیر جزری (۱۳۸۵ق) الکامل فی التاریخ، بیروت، دار الصادر
- ابن خلدون (۱۳۷۵ش) مقدمه ابن خلدون (ترجمه) محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

علم اندوزی در آینه احادیث کتابت ... (کامیار صداقت ثمرحسینی) ۱۱۳

ابن عبد ربّه، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق) العقد الفريد (محقق) عبدالمجيد ترحینی و مفید محمد قمیحه، بیروت، دار الکتب العلمیة

ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۴۳۰ق) الفهرست، لندن، مؤسسة الفرقان للتراث الاسلامی.

احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق) مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، قم (ط ۱) دار الحديث

الهی قمشه‌ای، محیی الدین (۱۳۶۳ش) حکمت الهی، تهران (چاپ ششم) انتشارات اسلامی.

الانباری البغدادی، ابوالقاسم بن محمد بن بشار (۱۹۷۷م) مرسوم الخط (حققه و علق علیه) امتیاز علی عرشی، دهلی الجديدة، المعهد الهندی للدراسات الإسلامية

الباشا، حسن (۱۴۲۰ق) موسوعة العمارة والآثار والفنون الإسلامية، بیروت (ط ۱) اوراق شرقیة للطباعة و النشر، ج ۳.

ثعالبی، أبو منصور عبدالمکمل بن محمد بن اسماعیل ثعالبی (۱۳۸۵ش) تحسین و تقییح (ترجمه) محمد بن أبی بکر بن علی ساوی (تحقیق) مصحح: عارف احمد زغول، تهران (ط ۱) مرکز نشر میراث مکتوب
جاحظ، ابی عثمان عمرو بن بحر (۱۹۶۵م) کتاب الحيوان، (تحقیق) عبدالسلام محمد هارون، القاهرة (ط ۲)
شرکة مکتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده بمصر.

حاج سیّد جوادی، کمال (۱۳۷۹ش) کلک قدسی: سیری در کتابت کلام الله مجید از آغاز تا امروز، تهران: محراب قلم.

حسن، زکی محمد (۱۳۶۳ش) تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام (ترجمه) محمدعلی خلیلی، تهران، اقبال.
حسن پور، ابوالقاسم (۱۳۸۲ش) پژوهشی در حدیث طلب العلم؛ فصلنامه آموزه های قرآنی دانشگاه اسلامی رضوی، ش ۴.

حسنین محمد، ولید سید (۲۰۱۵م) فن الخط العربی المدرسة العثمانیة، الهيئة المصریة العامة للكتاب.

خطیب بغدادی (۱۳۹۵ق) الرحلة فی طلب الحديث، بیروت (ط ۱) دارالکتب العلمیة.

الخطیب البغدادی (۱۴۲۶ق) تقييد العلم، بیروت، المکتبة العصرية.

خطیبی، عبدالكبير و محمد سجلماسی (۱۳۹۳ش) شاهکارهای خطاطی اسلامی (ترجمه) مژگان جایز و محمدرضا عبدالعلی، تهران (چاپ اول) فرهنگسرای میردشتی، هنر نو

دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق) إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، الشریف الرضی

الرّیّدی، محمّد بن محمّد بن عبد الرزاق الحسینی الملقّب بمرتضى، (۱۴۱۱ق) حکمة الإشراف إلى کتاب الآفاق (بذيله: تنمة فی نقد الآثار المرفوعة عن الخط والكتابة) (عنی بإخراجه) محمد طلحة بلال، القاهرة (ط ۱) مطبعة المدنی.

سراج شیرازی، یعقوب بن حسن (۱۳۷۶ش) تحفة المحبین (در آیین خوشنویسی و لطایف معنوی آن) (به اشراف) محمدتقی دانش پزوه، (به کوشش) رعنا حسینی و ایرج افشار، تهران (چاپ اول) دفتر نشر میراث مکتوب.

سعید، خیر الله (۱۴۲۱ق) وراقو بغداد فی العصر العباسی، منشورات مرکز الملك فيصل شاردن (۱۳۷۲ش) سفرنامه شاردن (ترجمه) اقبال یغمایی، تهران (چاپ اول) توس شریف رضی، محمدبن حسین (۱۳۶۸) نهج البلاغه (ترجمه) سید جعفر شهیدی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

شهابی خراسانی، محمود (۱۳۹۴ش) شذرات: مجموعه یادداشت‌ها، مشهد (چاپ اول) بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۹ق) منیة المرید، قم (ط ۱) مکتب الإعلام الإسلامی. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق) وسائل الشیعة، قم (ط ۱) مؤسسة آل البيت علیهم السلام صحراگرد، مهدی؛ شیرازی، علی اصغر؛ (پاییز ۱۳۹۱ش) سیر تحول خطوط قرآنی در جهان اسلام، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، دانشگاه الزهراء، ش ۱۵

طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق) مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، المكتبة الحیدریة طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق) تاریخ الامم و الملوك، (تحقیق) محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت (ط ۲) روائع التراث العربی، ج ۱.

العسافی، محمد بن حمد (۲۰۰۸م) الإصابة فی استحباب تعلیم النساء الکتابة، (تقدیم) علی بن مرشد المرشد، (تحقیق و تعلیق) ابراهیم بن عبد العزیز الیحیی، دار کنوز إشبیلیا للنشر و التوزیع. العظیم آبادی، محمد شمس الحق (۱۴۰۸ق) عقود الجمان فی جواز تعلیم الکتابة للنسوان (تحقیق) وصی الله محمد عباس، ریاض، مطبعة سفیر.

عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار (۱۳۸۰ش) قابوس‌نامه (تحقیق) غلامحسین یوسفی، تهران (چاپ یازدهم) انتشارات علمی و فرهنگی.

غزالی، محمد بن محمد (۱۳۶۱ش) نصیحة الملوك (تحقیق) جلال‌الدین همایی، تهران، انتشارات بابک. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن، قم (ط ۵) دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

فتونی، محسن (۲۰۰۲م) موسوعة الخط العربی والزخرفة الإسلامية، بیروت، شركة المطبوعات للتوزیع والنشر. فضائی، حبیب الله (۱۳۷۶ش) تعلیم خط، تهران (چاپ هفتم) سروش.

الکردی، محمدطاهر بن عبدالقادر (۱۳۵۸ق) الخط العربی و آدابه هو کتاب تاریخی اجتماعی ادبی، مکتبة الهلال.

علم اندوزی در آینه احادیث کتابت ... (کامیار صداقت ثمرحسینی) ۱۱۵

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق) الکافی، قم، دار الحديث
کمره‌ای، خلیل (۱۳۹۵ش) نامه‌ای از امام علی علیه‌السلام (با مقدمه و تحقیق) کامیار صداقت ثمرحسینی،
تهران، نشر فرهنگ مشرق زمین با همکاری مرکز اسناد فرهنگی آسیا.

کمره‌ای، خلیل (۱۳۲۵ش) تفسیر سوره نور، تهران، چاپخانه اقبال.
مایل هروی، نجیب (زمستان ۱۳۷۲ش) رساله آداب خط عبدالله صیرفی تبریزی، وقف میراث جاویدان،
شماره ۴

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق) بحار الأنوار، بیروت (ط ۲) دار إحياء التراث العربی
مجموعه نویسندگان (۱۳۸۴ش) مجموعه مقالات سیر خط و کتابت (کنفرانس بین‌المللی از لوح تا لوح)
تهران (چاپ اول) تهران، چاهمه.

مستقیم زاده، سلیمان (۱۹۲۸م) تحفة الخطاطین، استامبول، دولت مطبعه‌سی.
مستوفی بافقی، محمد مفید بن محمود (۱۳۸۵ش) جامع مفیدی، (به کوشش) ایرج افشار، تهران (چاپ اول)
اندیشه، ج ۳

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش) التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ
و ارشاد اسلامی

معرفت، محمدهادی (۱۴۳۲ق) التمهید فی علوم القرآن، قم المقدسة، دار التعارف للمطبوعات، ج ۱.
مفضل بن عمر (بی‌تا) توحید المفضل (تحقیق) کاظم مظفر، قم، داوری.
منشی قمی (۱۳۶۶ش) گلستان هنر (تصحیح و اهتمام) احمد سهیلی خوانساری، تهران: انتشارات منوچهری.
المنیس، ولید عبدالله (۱۴۳۷ق) فضل الخط و التوزیع الجغرافی لنساخت القرآن الکریم، الكويت، وزارة الاوقاف
و الشؤون الاسلامیة.

ناجی، هلال (۱۹۹۱م) ابن مقلة خطاطاً و ادیباً و انساناً مع تحقیق رسالته فی الخط و القلم، بغداد (ط ۱) دار
الشؤون الثقافية العامة

همایی، جلال الدین (۱۳۰۹ش) تاریخ ادبیات ایران از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر، تبریز،
کتابخانه ادبیه.

هراتی، محمد مهدی (۱۳۶۶ش) (مقدمه) جزء سی‌ام قرآن کریم بخطوط مختلف اسلامی به خط محمد علی
عطار هروی، تهران، انتشارات سروش.

هراتی، محمد مهدی (۱۳۹۲ش) پژوهشی در خوشنویسی کاتبان بزرگ قرآن کریم، ده مقاله در هنر کتابت و
آیه‌نگاری قرآن کریم، تهران (چاپ اول) شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.